

# نشست امنیتی مونیخ

و

## جمهوری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

نشست امنیتی اجلاس مونیخ که در ۱۸ فوریه سال جاری تشکیل شد جبهه گیری سختی علیه ایران جمهوری اسلامی به همراه داشت. اظهارات وزیرخارجه عربستان سعودی درکنار اظهارات وزیرجنگ اسرائیل و وزیرخارجه ترکیه بخشی از نگرانی هائی است که تخصیص تحریری رابه آن لازم ساخت.

مهمترین اظهارات درنشست امنیتی مزبور اظهارات وزیرخارجه عربستان بود که باهم آنرا میخوانیم:

>ایرانی ها میگویند که خواستار باز گشائی فصلی جدید هستند، آنها از آینده سخن میگویند نه از گذشته. این خیلی خوبست؛ اما درشرائط فعلی چه کاری باید انجام داد، مانمیتوانیم اقدامات آنها را در منطقه نادیده بگیریم، همانطور که قبلا هم گفتیم آنها خواستار صدور انقلاب هستند\*، چگونه مامیتوانیم با ملتی که هدفش نابودی ماست ارتباط داشته باشیم\*، تازمانی که ایران دررفتارش ودراصولی که این کشور بر پایه آن اداره میشود\*، تغییر ندهد بسیار دشوار است که با چنین کشوری درارتباط بود<.

وزیر خارجه عربستان سعودی اضافه کرد: <ایران بزرگترین حامی تروریسم درجهان است> آری جمهوری اسلامی یگانه کشور حامی تروریسم است، زیرا تنها کشوری درجهان است که حمایت از گروههای مخالف دولتها و صدور انقلاب رابه کشورهای غیرمسلمان جهان تکلیف خود دانسته است.

خیلی ازکشورها درامورکشورهای دیگر مداخله وبه آشوبهای داخلی کشورها کمک میکنند، ولی چون در قانون اساسی آن کشورها چنین تکلیفی برای دولت های آن کشورها مقرر نشده اصل این است که آن دولتها برخلاف قانون اساسی خود عمل نمیکند مگرخلافش ثابت شود ولی این قضیه عمومی واصل برانت درمورد جمهوری اسلامی مصداق ندارد و از آنجا که اصل دخالت در امور کشورها وکمک به آشوبها و صدورانقلاب بصورت تکلیف دولت درقانون اساسی جمهوری اسلامی درآمده اصل، بر دخالت جمهوری اسلامی درامورکشورها بقصد صدور انقلاب است گرچه جمهوری اسلامی حقیقا دخالت ننماید و قصد صدورانقلاب را هم نداشته باشد.

در عبارات اعتراضی وزیر خارجه عربستان جمله ای بود بشرح زیر > **تازمانی که ایران در رفتارش و در اصولی که آن کشور بر پایه آن اداره میشود..... مقصود از اصول همان قانون اساسی جمهوری اسلامی و تکلیف صدور انقلاب است.**

## قوان سنگین

جمهوری اسلامی مطمئن باشد که با چنین قانون اساسی که نوعی اعلان جنگ به کشورهای غیرمسلمان است نمیتواند در محیطی نسبتاً آرام با کشورهای جهان زیست حقوقی و اجتماعی داشته باشد و حشت عمومی مردم جهان در کنار تظاهر جمهوری اسلامی به قدرتمندی و نابودی کشورها برهم زنده معادله مورد قبول جامعه جهانی است.<sup>۱</sup>

## تثبیت موقعیت تروریستی جمهوری اسلامی

تنها آمریکا نیست که جمهوری اسلامی را کشوری حامی تروریست بین المللی میشناسد کشور کانادا هم در تاریخ ۱۱ ژوئن سال ۲۰۱۶ در رایبی که از یکی از دادگاه های انتاریو صادر شد جمهوری اسلامی را حامی سازمان های تروریستی شناخت و مبلغ ۱۲ میلیون دلار برفع شاکیان و علیه جمهوری اسلام رای داد.

سابقه شناسایی جمهوری اسلامی بعنوان یک کشور تروریستی تنها در دادگاه کانادا و آمریکا نیست در دادگاه آلمان - اتریش - فرانسه - آرژانتین هم هست.

مقصود از اشاره بالا این است که کشورهای جهان در مقابل صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی به حمایت از سازمان های تروریستی و صدور انقلاب به کشورهای جهان نمیتوانند از حکم محکومیت جمهوری اسلامی در طرح دعاوی خودداری کنند.

حقیقت این واقعیت آنقدر محکم است که صرف استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی در بحث روابط سیاسی با کشورها، کافی برای صدور حکم محکومیت جمهوری اسلامی به تروریستی بودن و حمایت از تروریستها است و نیازی به اثبات مورد نیست.

در همین نشست مونیخ وزیر خارجه ترکیه مدعی شد که جمهوری اسلامی قصد مسلط ساختن شیعیان را در عراق و سوریه دارد. این ادعای ترکیه قابل تائید است؛ زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین امری را در تکلیف حکومت اسلامی ملایان قراردادده است.

۱- آنروزی که رژیم اسلامی تشکیل شد و قانون اساسی اش در سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفت ولی بدون توجه به آن گذشتند و رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی را از جمله کشور های عضو سازمان ملل پذیرفتند، به فکر امروز نبودند. بارها در گذشته از سوی استاد امیرفیض و دیگران پیشنهاد شد به دلیل همین قانون اساسی رژیم، به سازمان ملل فشار آورده شود تا از عضویت در سازمان ملل منع گردد، اگر آن فشار ها پیگیر بود تا بحال رژیم اسلامی منزوی و نابود شده بود. هنوز هم دیر نیست. ح-ک

## دفاع جمهوری اسلامی

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی درکمال تاسف و نا باوری ادعای ترکیه را وارد دانست و بدون تکذیب ان مدعی شد که <ترکیه هم درسودای خام بازگشت به امپراطوری است>، یعنی آری اظهارات وزیر خارجه ترکیه مبنی بر قصد مسلط ساختن شیعیان در عراق و سوریه درست است، ولی ترکیه هم بفکر بازگشت به دوران امپراطوری گذشته است.

دفاع از منافع ایران را ملاحظه میکنید در اختیار چه آدم های کوچک و نفهمی قرار داده شده است!

## راه حل معلوم

این راه حل، نه برای حفظ جمهوری اسلامی است که ایران بدون جمهوری اسلامی چه سر بلند روزگاری خواهد داشت و انتظار و آرزوی همه ایرانیان با ملیت است به درک واصل شدن جمهوری اسلامی، ولی نگرانی و پیش بینی درگیری ایران در این معرکه و ندانمکاری های جمهوری اسلامی که دقیقا قابل پیش بینی است، وحشتی است که نمیتوان به وقوع آن رضایت داد هر چند این احتمال وجود داشته باشد که با قبول مصائب آن، ایران از جنگال این گراز های وحشی نجات خواهد یافت.

آرزوی نجات ایران، زنده و پاینده ترین آرزوهاست؛ ولی نه اینکه تحقق آن بدست بیگانه باشد و آن نجات! عمیقترین ذلت و خواری است که بمراتب ننگین تر از حاکمیت همین خوکان وحشی تخم و ترکه اعراب است.

**در توازن سقوط جمهوری اسلامی بدست بیگانه با بقای جمهوری اسلامی بدون اقدام نظامی و یا دخالت بیگانه نمیتوان منافع ملت و کشور را در سقوط جمهوری اسلامی بوسیله اقدامات آمریکا و سایر کشورها دانست؛ الگوی کار که میتواند مارا مصمم در این انتخاب نماید پیش روی ماست، سوریه، عراق، لیبی نمونه های آشکاری است که میتواند در اتخاذ تصمیم به ما کمک کند.**

راه کار مقابل عقل این است که جمهوری اسلامی به بهانه اینکه ۴۰ سال است که از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی اش، گذشته و تحولات داخل و خارج نیاز به اصلاحاتی را در قانون اساسی لازم میداند؛ آرتیکل های انقراض حق حاکمیت ملت و صدور انقلاب رابه کشورها از قانون اساسی بیرون بیاورد و این آسیب پذیری بین المللی را از ایران دور کند.

## پاسخ تردید

ممکن است کسانی فکر کنند که راه حل مزبور سبب استواری جمهوری اسلامی میگردد و از تیر رس کشورهای آزاد جهان مصون خواهد ماند؛ این برداشت نادرست و بی وزن نیست، ولی این یک راه حل است برای دور ساختن سایه جنگ ویا اقدامات جهانی دیگر که اثراتش اگر کمتر از جنگ باشد، عاقبت آن، سقوط بدون برنامه ایران است ارائه میشود. در راه حل اعتقاد مطرح نیست؛ منافع کلی مطرح است.

**وانگهی در این برهه حساس باید منافع ویکپارچگی ایران را مقدم بر کم و کیف حقوق بشرویا انتخابات آزاد دانست** اعلیحضرت هم بهنگام حمله عراق به ایران بدون توجه به غاصب بودن جمهوری اسلامی و همه جنایاتی که مرتکب شده بود آمادگی به دفاع از کشور را مقدم بر مسائل سیاسی ایران دانستند.

ما ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی ظرف ۳۸ سال گذشته در حالیکه از پشتیبانی افکار عمومی مردم ایران و جهان برخوردار بودیم کدام گام مثبت را در راه نجات ایران برداشته ایم؟ مقصود این نیست که کدام اقدامات عملی را برای براندازی جمهوری اسلامی مد نظر داشته ایم، **اصلا روحیه براندازی جمهوری اسلامی را از ملت ایران گرفته ایم و جایش انتخابات آزاد داده ایم** که در معنا ایجاد مشروعیت و حقانیت برای جمهوری اسلامی است، ما در این مدت نتوانستیم بفهمیم که کجا قراردادیم، به دنبال چه نظامی هستیم، پادشاه داریم یا رئیس جمهور و یا رئیس میخانه، **با این وضعیت و رسوائی چرا باید به بهای جنگی که سرنوشت آن معلوم و مقابل ماست تن به خفت دخالت بیگانگان در براندازی جمهوری اسلامی بدهیم.**

## ابرااد حقوقی

با آنکه برخی از اظهارات وزیر خارجه عربستان (در مواردی که با علامت \* ) مشخص شده و در همین تحریر هم مورد بحث و نقد قرار گرفت وارد است، ولی طرف اعتراض قراردادان جمهوری اسلامی بوسیله عربستان و اسرائیل و احتمالا کشورهای دیگر عملی خلاف اصول حقوق بین الملل و سازمان ملل متحد است زیرا:

۱. **جمهوری اسلامی با همین مبتدا و خبرها که در قانون اساسی و مذهب تشیع پیاده شده به عصویت سازمان ملل درآمده و همین عربستان و آمریکا و اسرائیل به شناسائی آن با شتاب فوق العاده ای تن داده اند و سی و چند سال است که ایرادی که امروز به اصولی بودن تصمیمات جمهوری اسلامی گرفته اند نگرفته اند یعنی بطور ضمنی به قانون اساسی جمهوری اسلامی در صدور انقلاب و کمک به سازمان های تروریستی رضایت داده اند.**

۲. **نشست مونیخ یک دسته بندی برای دخالت در امور ایران و احتمالا دخالت های آشوبگرانه و یا نظامی است و این اقدامات کلا خلاف منشور سازمان ملل است.**

۳. **وحشت عربستان سعودی در کنار وحشت همه کشورهای غیرمسلمان جهان از جمهوری اسلامی قابل انکار نیست، زیرا وحشت ناشی از حکم صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی است که از آیات قرآن پشتیبانی دارد، با این وجود، عضویت جمهوری اسلامی و سایر کشورهایانی که احتمالا از موقعیت جمهوری اسلامی در امان نیستند در سازمان ملل آنها را ناچار به تبعیت از منشور سازمان مینماید نه نشست های امنیتی و دسته بندی های سیاسی.**

۴. **عربستان و اسرائیل و یا آمریکا اگر از جانب جمهوری اسلامی احساس خطر و عدم امنیت میکنند باید موضوع لغو عضویت جمهوری اسلامی به سازمان ملل و شورای امنیت ارجاع بشود، نه اینکه روی منشور سازمان پل بزنند و به اقدامات خودسرانه متوسل بشوند.**

۵. سابقه این عمل را میتوان در فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی دید که نگرانی کشورهای منطقه و جهانی سبب ارجاع موضوع به شورای امنیت گردید و شورای امنیت با صدور قطعنامه ها و اقدامات، سبب رفع نگرانی کشورها از فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی گردید و جمهوری اسلامی در مقابل قطعنامه های شورای امنیت راه آژانس بین المللی را پذیرفت.

۶. تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد در این اتهام مشارکت دارند که چرا کشوری که قانون اساسی اش دقیقاً خلاف منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر است به عضویت سازمان ملل پذیرفته شده است و پذیرش عضویت جمهوری اسلامی در سازمان ملل به معنای حقانیت جمهوری اسلامی در صدور انقلاب اسلامی به معنای اسلامی کردن همه کشورهای جهان است.

۷. بنظر میرسد برای اینکه جامعه جهانی بتواند از مسیر شورای امنیت سازمان، ملاحظات اجباری بر جمهوری اسلامی در جهت رفع تشویش و نگرانی جهانی وارد سازد لازم است دفتر حقوقی سازمان ملل به تکلیفی که بران مقرر است؛ یعنی تطبیق قانون اساسی کشورهای عضو با منشور سازمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر اقدام نماید، و موقعیت جمهوری اسلامی را در عضویت سازمان بازنگری نماید.

علاقمندان به موضوع میتوانند از رساله «راهی برای تامین امنیت جهانی» و نیز تحقیق «معلومات برای رفع مصائب جهانی که بتاريخ ۱۵/۲/۲۰۱۷ < انتشار یافته استفاده کنند. ۲